

فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین علمی - پژوهشی
ویژه نامه چهارمین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی
دانشگاه پیام نور مرکز خوانسار
۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴

تأثیر آموزش هنر در رشد خلاقیت، نوآوری و ارتقای سطح مهارت‌های کارآفرینی کودکان پیش دبستانی (نمونه موردی کودکان مقطع پیش دبستانی دخترانه و پسرانه مبتکر نوین آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران)

الیاس صفاران^{۱*}، مریم خسروانی زنگنه^۲

۱- استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

۲- مدرس هنر و کارشناس دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

saffaran@pnu.ac.ir

چکیده

در عصر حاضر که با افزایش جمعیت، جوامع و سازمان‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت هستند و در پی آن پیچیدگی آن‌ها نیز رو به فزونی است، کارآفرینی در یک تعامل چند سویه یعنی هم در ایجاد اشتغال، هم در مفهوم ایجاد تحول از نوآوری‌ها و بهبود فرآیندها و هم به عنوان عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است؛ نیاز به ابداع و خلاقیت در تمامی حوزه‌های کسب و کار، کارآفرینی را به یک ضرورت جهانی بدل نموده، در این راستا نظام آموزش و پرورش دارای نقش کلیدی است. با توجه به اینکه آموزش هنر در پرورش خلاقیت و نوآوری افراد نقش به‌سزایی ایفا می‌کند به نظر می‌رسد از آنجاییکه نوآوری و خلاقیت از شاخص‌های اصلی کارآفرینی است، لذا آموزش هنر بتواند در ارتقای مهارت‌های کارآفرینی افراد نیز نقش مؤثر داشته باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی است؛ که به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته که استخراج شده از پرسشنامه خلاقیت تورنس بود و به بررسی میزان افزایش خلاقیت کودکان از دیدگاه والدین پس از طی دوره پیش دبستانی و آموزش‌های هنری مدرسه پرداخته است، استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان پیش دبستانی دخترانه و پسرانه مبتکر نوین منطقه ۵ شهر تهران هستند؛ که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۸۰ نفر از دانش‌آموزان به عنوان نمونه انتخاب شدند بدین صورت که از دانش‌آموزان دخترانه ۴۰ نفر و از دانش‌آموزان پسرانه ۴۰ نفر به روش

نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در اختیار والدین آن‌ها قرار داده شد. در نهایت ۳۸ پرسشنامه از پرسشنامه‌های گروه دخترانه و ۳۱ پرسشنامه از پرسشنامه‌های گروه پسرانه وارد تحلیل شدند. در نتیجه کل نمونه پژوهش حاضر ۶۹ نفر بودند. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از شاخصهای توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، کمترین نمره و بیشترین نمره) و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار استنباطی از آزمونهای تی تست نمونه‌ای به منظور تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در رشد خلاقیت و از آزمون میانگین یک جامعه یا آزمون t -student به منظور مقایسه خلاقیت دانش‌آموزان دختر و پسر استفاده شد. با توجه به یافته‌ها تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد سیالی، انعطاف، ابتکار، بسط در دختران و پسران تأثیر معنا داری دارد و علیرغم تفاوت جزئی بین تأثیر هر کدام از این شاخص‌ها بین دختران و پسران در کل تفاوت معناداری میان دختران و پسران در میزان تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی وجود نداشت. لذا می‌توان در سطح اطمینان ۹۹ درصد گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر همه ابعاد خلاقیت دختران و پسران مقطع پیش دبستانی تأثیر گذار است.

واژه‌های کلیدی: تأثیر آموزش هنر، تجسمی، کاربردی، خلاقیت، کارآفرینی، کودکان پیش دبستانی.

مقدمه

مسئله اصلی مطرح این است که آیا با آموزش صحیح و خلاقانه هنر، خاصه هنرهای تجسمی و کاربردی که مورد مطالعه این پژوهش است می‌توان سطح خلاقیت کودکان خاصه در نمونه مطالعه موردی این پژوهش کودکان پیش دبستانی را ارتقا داد و در نهایت آیا میان ارتقاء سطح خلاقیت حاصل آموزش هنر و ارتقا سطح مهارت‌های کارآفرینی این افراد ارتباط معنا داری وجود دارد؟

پرسش

آیا آموزش هنرهای تجسمی و کاربردی به کودکان پیش دبستانی مورد مطالعه بر رشد خلاقیت و مهارت‌های کارآفرینی ایشان مؤثر است؟

هدف یا اهداف پژوهش

- ۱- بررسی امکان آموزش‌های زود هنگام کودکان جهت رشد خلاقیت در آن‌ها
- ۲- بررسی امکان آموزش‌های زود هنگام کودکان جهت رشد مهارت‌های کارآفرینی در آن‌ها

ضرورت یا اهمیت پژوهش

پژوهش‌های بسیاری تأیید می‌کند که فرآیند و برنامه‌های آموزشی خاصی می‌تواند با تغییر بینش و فرهنگ افراد و تجهیز آن‌ها به دانش و مهارت‌های خاص، راهی را که جامعه احتمالاً با سعی و خطا و گذشت زمان طولانی به آن می‌رسد بسیار کوتاه نموده و به سرعت یک کارآفرین بالقوه را به یک کارآفرین بالفعل تبدیل کند.

آموزش مهارت‌هایی که منجر به رشد شاخص‌های خلاقیت و کارآفرینی در سنین ابتدایی کودک باشد می‌تواند زمینه ساز حل مسأله کاهش اثر بخشی آموزش‌های دانشگاهی در ایجاد شخصیت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه گردد و در رفع خلع موجود در نظام آموزش عالی کشور تأثیر گذار باشد.

چنانچه ثابت شود که آموزش هنر در کودکی می‌تواند سطح خلاقیت در افراد را افزایش دهد، با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های کارآفرینی خلاقیت است می‌توان امیدوار بود با گسترش آموزش هنر به

رفتار تازه و عجیب کودک به طریقی خوشایند یا ارتباط‌گرا یا معنی‌دار باشد در این صورت می‌توان گفت مناسب است. معیار مناسب رفتارهایی را که تازه بوده، اما به طریقی غلط باشد را رد می‌کند (آماپلی، ۱۳۸۸: ۴۱).

درباره خلاقیت نظریه‌های متنوعی وجود دارد و مکاتب مختلف روان‌شناسی نیز از زوایای مختلفی به خلاقیت آن نگریسته‌اند. با نگاهی به بعضی از این مکاتب و نحوه برخورد آن‌ها با خلاقیت، می‌توان اندکی از این ابهام کاست و مفهوم دقیق‌تری از آن ارائه داد.

در اهمیت نقش محیط در فعلیت یافتن توانایی‌ها و استعداد خلاق کودکان شکی نیست؛ اما این بدان معنی نیست که می‌توان نقش عوامل فردی و وراثتی را کاملاً نادیده گرفت. حتی اگر محیط عامل اصلی رشد خلاقیت باشد، باز باید به زمینه‌های بالقوه‌ای که در افراد وجود دارد نیز توجه شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۳۳).

ویژگی‌های افراد خلاق

افراد از نظر خلاقیت متفاوت هستند افراد خلاق همواره از انعطاف‌پذیری بیشتری در مقایسه با افراد غیر خلاق برخوردار بوده و به هنگام بروز یک مسأله قادرند راه حل‌ها و روش‌های گوناگونی ارائه دهند. آن‌ها ساعت‌های طولانی کار می‌کنند و می‌کوشند تا به کارهای سخت دست بزنند و در صدد حل مسائل پیچیده بر می‌آیند. افراد خلاق بیش از این که به پاداش‌های حاصل از موفقیت توجه کنند به نفس‌پیشرفت و پیروزی می‌اندیشند و همیشه تلاش می‌کنند تا کارهای خود را به بهترین نحو و شیوه انجام دهند. (استرن، ۱۹۹۵: ۹۰۰)

کودکان می‌شود انتظار تربیت نسلی کارآفرین و نوآور را داشت.

از اینرو انجام پژوهش در خصوص این موضوع جهت پرورش نسلی خلاق و کارآفرین ضروری به نظر می‌رسد.

مبانی نظری پژوهش

هر چیزی که کودک انجام می‌دهد یا می‌گوید، می‌تواند خلاق به حساب آید در صورتی که دو ضابطه را تأمین نماید. اول آن که باید اساساً با کارهایی که کودک قبلاً انجام داده و تمام چیزهایی که قبلاً دیده یا شنیده است متفاوت باشد. دوم آن که فقط نباید متفاوت باشد بلکه باید صحیح بوده، در جهت رسیدن به یک هدف مفید باشد و به طریقی برای کودک جذاب یا معنی‌دار باشد. اغلب روان‌شناسان که در زمینه خلاقیت مطالعه می‌کنند این دو ضابطه را «تازگی» و «مناسبت» عنوان می‌کنند.

معیار تازگی کاملاً ساده است. رفتار کودک نمی‌تواند فقط تقلید یا گزارش چیزی که قبلاً دیده است باشد یعنی در محدوده رفتاری کودک باید تا حد زیادی تازه باشد. به منظور قضاوت درباره تازگی کار کودک باید اطلاعاتی در مورد آگاهی و تجربه گذشته کودک داشته باشیم.

معیار مناسب، پر در دستر است. این واژه به منظور رد کردن رفتارهایی که صرفاً عجیب هستند مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما این مفهوم بی‌ثبات است. اگر درباره ریاضیات یا علوم و یا گرامر صحبت کنیم در آن صورت آن چیزی مناسب است که درست باشد؛ اما در مورد هنر، داستان سرائی و نمایش چگونه است. در آن صورت چگونه می‌توانیم درباره مناسب صحبت کنیم؟ در نهایت باید از دید بیننده به آن نگریست. اگر

این اندیشه که تنها شاعران به تخیل نیاز دارند، نادرست و پیشداوری ابلهانه‌ای است. حتی در ریاضی بدان نیاز است، کشف محاسبات دیفرانسیل و انتگرال بی وجود تخیل ناممکن بود. تخیل دستمایه پر ارزشی است. (روزت، ۱۳۷۱: ۱۹).

از دیدگاه پیروان فروید همانگونه که کودک رویاهایش را در بازی‌هایی که می‌آفریند، تحقق می‌بخشد، هنرمند نیز همه تلاش‌های خود را در آثار هنری خود در سازندگی پوشیده و دیگرگون تجسم می‌بخشد (روزت، ۱۳۷۱: ۹۹).

دوشیرنکو می‌گوید: برای اینکه یک اثر هنری واقعاً جاودانه شود، باید کاملاً از حدود انسانی خارج شود. عقل سلیم و منطق برای اثر هنری زیان‌بخش است، بنابراین اثر هنری به خواب و رویا و روحیه کودک‌کان نزدیک‌تر است. نتیجه‌گیری‌های فوق این تصور را که کودک‌کان نسبت به هنر بزرگسالان آگاهی دارند، چندان تأیید نمی‌کند (پیاژه، ۱۳۷۳: ۶۷ و ۶۸).

دامنه آفرینشگری

برخلاف عقیده عامه، آفرینشگری منحصر به هنرها نیست، برای مثال، دانشمندان به اندازه نویسندگان است. هری براودی می‌نویسد:

در این صورت اختراع، تفکر علمی و آفرینشگری هنری، از این نظر مشترک هستند که به آسانی عناصر تجربه شده پیشین را به صورت پیکربندی تازه‌ای آرایش مجدد می‌دهند (نلر، ۱۳۶۹: ۱۳).

درست همانگونه که نویسنده‌ای تجارب خود را از مناظر انسانی، به صورت زمان و یا نمایشنامه‌ای عرضه می‌کند، دانشمندان نیز داده‌های جمع‌آوری شده را آزمایش و بررسی می‌کند تا نظریه‌ای تازه به وجود آورد. هر دو شخص تجربه و دانش موجود متعلق به

افراد خلاق مسایل بسیار پیچیده را به مسائل ساده ترجیح می‌دهند و با علاقه بسیاری برای یافتن راه حل آن‌ها می‌کوشند (مشبکی، ۱۳۸۰: ۵۹).

بطور کلی افراد خلاق و نوآور با شور و اشتیاق، اما به طور واقع بینانه اهدافی را دنبال کرده و قادرند نتایج سازمانی و تجاری حاصل از نوآوری‌شان را تشخیص دهند. آن‌ها می‌توانند گام‌های لازم برای تبدیل ایده به واقعیت را تعیین، تدوین و اجرا نمایند. آن‌ها اهل عمل بوده و منتظر صدور مجوز شروع نمی‌مانند. تعهد و فداکاریشان اغلب علایق دیگر آن‌ها نظیر، خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نقش تخیل فانتزی (Fantasy) در فرایند خلاقیت علمی

فانتزی به عنوان یک واقعیت روانشناختی، به تخیل نزدیک و پدیده‌ای متجانس است، آن از نظر منطقی (منظور فانتزی علمی است (به گمانه زنی، فرضیه، نزدیک است. فانتزی با هر دو مفهوم، نقش اساسی در هر کشف علمی و بطور کلی در هر فرایند خلاقیت علمی بازی می‌کند، بویژه وقتی ضرورت خلق یک نظریه عام، طرح فرضیات گسترده، تدوین نظام دانستی‌های علمی و یا کشف یک قانون بنیادی طبیعت در میان باشد (نالچاچیان، ۱۳۸۶: ۳۲).

تخیل بنیاد کوشش‌های آدمی است و مایه آن شده تا او به عنوان موجودی انسانی بر جهان چیره گردد. یکی از کتاب‌ها تا بدان حد پیش می‌رود که تخیل را با سرمایه واقعی چون سرمایه صنعتی و سرمایه مالی همسنگ می‌داند. مبالغه‌های ناروا از نقش تخیل در گفته‌های همانند کاملاً آشکار است و از درک و دریافت پندارگرایانه پدیده‌های اجتماعی، سرچشمه می‌گیرد (روزت، ۱۳۷۱: ۸۱).

روحي، اندیشه‌ها و خلاقیت‌های ذهنی خویش را به راحتی و در آزادی بروز دهد.

برای هر فعالیت هنری، شروع و آغاز آن تعیین کننده میزان موفقیت آنی آن خواهد بود و تمهیدات اولیه مربی تأثیرات عمیق بر تمرکز حواس و علاقه و انگیزه کودک داشته و میل و رغبت او را به فعالیت ایده‌آل، افزون خواهد نمود و آنگاه قضاوت کودک به میزان انضباط و علاقه و ابتکار عمل مربی، راه را برای نتیجه‌گیری مثبت خواهد گشود. از این نظر به وجود آوردن «بستر و فضای امن» و تدارکات اولیه برای فعالیت‌های خلاقانه در مقاطع مختلف پرورش هنر، می‌تواند نسبت به ابتکار عمل مدرس مربوطه به شکل‌های مختلف انجام گیرد. کنجکاوی کودک را باید احترام گذاشت و در تقویت حس کنجکاوی او کوشید. برای بروز خلاقیت در ذهن کودک، باید به سؤالات آن‌ها با حوصله و با دقت گوش فرا داده و با درایت کامل پاسخ گفت.

این مهم را نیز باید در نظر داشت که سنجش و پرورش استعداد هر یک از کودکان به صورت جداگانه بدون مقایسه با دیگر کودکان انجام پذیرد تا با آموزش فنون اجرایی در حد توان مقاطع سنی مختلف و دادن آزادی برای بیان تصویری و دوری جستن از عادت‌ها و قراردادهای معمول و تقلیدی، خلاقیت و استعدادهای کودکان هرچه بیشتر شکوفا و بارور گردد با تأکید بر عدم دخالت در کار همدیگر و با تأخیر در قضاوت کار عرضه شده و ارزش نهادن به کارهای تقلیدی و ارج دادن به هرگونه خلاقیت و نوآوری‌های ذهنی و تشویق به موقع و اجتناب از انتقاد مستقیم، راه را برای رشد و تعالی کودک هموار سازیم.

باید متذکر شد که هدف از هنر کودکان این نیست که همه آن‌ها را به نقاشان حرفه‌ای بدل شوند، بلکه

خود و دیگران را به صورت شکل و یا الگویی تازه، آرایش مجدد می‌دهند (نلر، ۱۳۶۹: ۱۳).

به گفته برونسکی: یافته‌های علم و اثرات هنری، کشفیات و یا بالاتر از آن، انفجار تشابهات پنهانی می‌باشند. کاشف و یا هنرمند، دو جنبه از طبیعت را در آن‌ها عرضه می‌کند و آن‌ها را در هم می‌آمیزد. این نوع کنش آفرینندگی است که در آن یک فکر بکر متولد می‌شود که کنشی مشابه در علم بکر و هنر بکر است (برونسکی، ۱۹۵۶: ۳۰).

خلاقیت و کودکان

منظور از خلاقیت و نوآوری کودکان رفتارهای کلامی و عملی خلاق است که کودکان به شکل‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. بسیاری از رفتارهای کودکان مانند گفتار و اعمال آنان در منزل، بازی، یادگیری در مواجهه با پدیده‌های جدید مهد کودک و در مدرسه رفتارهایی هستند که دارای خصوصیت خلاقیت هستند. با توجه به ویژگی‌های خاص رفتارهای خلاق کودکان و اهمیت بسیار زیادی که در رشد ذهنی و شخصیتی آنان و به طور کلی رشد خلاقیت دارد از این رو صاحب‌نظران، خلاقیت و نوآوری کودکان را معمولاً به عنوان دسته‌ای جداگانه در نظر می‌گیرند.

حال اگر بخواهیم مراحل آغازین پرورش خلاقیت را در کودکان به صورت منظم و اسلوب وار مورد بررسی قرار دهیم باید توجه داشت که قبل از شروع هر نوع فعالیتی فراهم نمودن بستر و فضای امن مناسب برای خلاقیت‌های هنری از طرف مربی مربوطه اجتناب ناپذیر می‌نماید. برای تعریف دقیق «بستر و فضای امن» می‌توان به بیان زیر توجه نمود:

«بستر و فضای امن» مجموعه عوامل محیطی خاصی است که در آن هر فرد بتواند بدون ترس و وا همه

کارآفرینان در پژوهش‌های مختلف مطرح شده است (ساراسوسی، ۲۰۰۴: ۷۰۹).

کانون کنترل درونی: کنترل درونی بدین معنی است که شخص رویداد خاصی را ناشی از رفتار یا ویژگی‌های نسبتاً پایدار خود می‌داند (آتکینسون و همکاران، ۱۳۶۹).

انگیزش پیشرفت یا توفیق طلبی: عبارت است از تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی (جوکار و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

خلاقیت: عبارت است از فرآیندهای ذهنی که منجر به یافتن راه حل‌ها، ایده‌ها، مفهوم‌سازی، شکل‌های هنری، تئوری‌ها و فرآورده‌هایی می‌شود که بی‌همتا و تازه هستند.

تحمل ابهام: عبارت است از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانش ناقصی درباره محیط اطراف و تمایل به شروع فعالیتی مستقل بدون اینکه مطمئن باشیم آیا موفق خواهیم شد یا نه (بروکهاوس، ۱۹۸۰: ۶۷).

ریسک‌پذیری: ریسک‌پذیری به حالتی گفته می‌شود که فرد برای انجام کاری یا پذیرش مسئولیتی که احتمال شکست در آن وجود دارد، اعلام آمادگی می‌کند. خطر کردن ممکن است به آگاهی فرد از موضوع بستگی نداشته باشد و حتی فرد از نتایج و پیامدهای احتمالی آن نیز بی‌اطلاع باشد (برنز، ۲۰۰۱: ۳).

ضرورت خلاقیت در ایجاد کارآفرینی

بحث ضرورت خلاقیت را از دو بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد:

بعد مادی و بعد معنوی در بعد مادی اهمیت، نقش و جایگاه خلاقیت به حدی است که در مغرب زمین

هدف بیدار کردن بیان خلاق آن‌ها برای پرورش تخیل و مشاهداتشان و همچنین یاری دادن بیان خلاق آن‌ها برای پرورش تخیل و مشاهدات آن‌ها و همچنین یاری دادن کودکان در فهمیدن معنی و مقام به معنای وسیع آن در زندگی روزمره است.

فروید معتقد است خلاقیت مخصوصاً خلاقیت هنری جایگزین بازی کودک است تلاشی که برای حل تعارض ناخودآگاه انجام می‌گیرد نیز ناشی از تجربه‌های کودک است به عبارتی نیازهای سرکوفته کودک به صورت کار و هنر، تجلی می‌یابد. او معتقد است که فکر تازه به سبب برخورد با تضاد ایجاد می‌شود و این همانند مکانیسم دفاعی است. درواقع خلاقیت نیز نوعی رفتار دفاعی است؛ یعنی فعالیت‌های هنری و عملی عبارت از تمایلات ارضاء نشده است که به شکل هدف عالی تر در آمده‌اند. پس فرد برای ارضای سابقه‌های خاصی دست به خلاقیت می‌زند تا تعادلی را که به هم خورده دوباره برگرداند.

همچنین او معتقد است افراد خلاق، نیازهای ارضاء نشده قوی دارند و می‌توانند آن نیازها را از طریق هنر برآورده سازند. یکی از مهارت‌های هنرمندان بزرگ توانائی توسعه، عقاید شخصی به طریقی است که به طور کلی معنی دار باشد. فروید از داوینچی مثال می‌زند که لبخند مونالیزا را براساس تجربه‌های اولیه و نیازهای سرکوفته و تضادهای ناخودآگاهش به تصویر در آورد (حسینی، ۱۳۷۶: ۲۶).

ویژگی‌های افراد کارآفرین

طبق رویکرد روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی مشخص و معین افراد را مستعد کارآفرینی می‌کند. به طور کلی تا به حال ویژگی‌های زیادی در خصوص

بافته شده است. فرهنگ کارآفرینی بر بها دادن به خلاقیت و نوآوری استوار است.

کارآفرین از میان ایده‌های ناشی از خلاقیت خود و دیگران و ترکیب آن با فرصت‌های بازار این ایده را با تلاش پیگیر و مستمر به یک فرصت کارآفرینانه تبدیل می‌کند و با راه اندازی کسب و کار به آن عینیت می‌بخشد؛ بنابراین نوآوری، توانایی به کار بردن راه حل‌های خلاق برای مسائل، مشکلات و فرصت‌هاست، تعبیر دیگر نوآوری، عملی ساختن محصول یا خدمت از ایده خلاق است (سعیدی کیا، ۱۳۸۴: ۳۵).

آیا می‌توان خلاقیت را آموزش و پرورش داد؟ بسیاری چنین می‌پندارند که خلاقیت یک ویژگی ذاتی و ارثی است که تنها برخی افراد خوشبخت با آن متولد می‌شوند. امروزه ثابت شده است که این توانایی در نوع بشر عمومیت دارد و همه در هنگام تولد به درجات گوناگون دارای این استعداد هستند. خلاقیت را به صورت‌های مختلف و متعددی تعریف کرده‌اند؛ اما در همه این تعاریف دو مفهوم تازگی و نو بودن به همراه ارزشمندی و مناسب بودن مشترک است. (آمالی، ۱۳۷۸)

در چند دهه اخیر پژوهش‌های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده است. تا به یک سؤال اساسی پاسخ داده شود که آیا خلاقیت را می‌توان آموزش داد؟ پژوهش‌هایی که در زمینه آموزش خلاقیت انجام شده است عمدتاً به این نتیجه رسیده است که خلاقیت را هم می‌توان آموزش و هم پرورش داد.

لورنس و تورنس اشاره می‌کنند که طی پانزده سال تجربه در مطالعه و آموزش تفکر خلاق، شواهدی را دیده‌اند که نشان می‌دهد خلاقیت را می‌توان آموزش داد. همچنین لورنس در کتاب خود ۱۴۲ مورد پژوهشی

گفته می‌شود، «یا مرگ یا خلاقیت» و اساساً انسان را حیوان خلاق می‌نامند؛ بنابراین انسان بدون خلاقیت یعنی حیوان.

امروزه سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ در کشورهای صنعتی بدون خلاقیت مستمر، سریع و به موقع، محکوم به فنا هستند مسأله خلاقیت که ریشه آن تصور است، به حدی اهمیت پیدا کرده است که پیشنهاد شده اساساً بسیاری از واژه‌ها تغییر کنند و برای آن‌ها واژه‌های جدیدی مبتنی بر «تصور» و «ایده» ساخته شود:

همان تصویری که انیشتین معتقد است برتر از دانایی است. از جمله واژه‌هایی که پیشنهاد شده است تغییر یابند عبارتند از:

Engineering→imagineering
Technology→imagolog
organization→innovization
Manager→imager
university→ideaversity

(صمد آقایی، ۱۳۸۳: ۸).

به نظر می‌رسد یک هنرمند، درست در لحظه خلق ایده و کمی پس از آن، در حال تفکر است: ولی در لحظه خلق ایده کار او آگاهانه و از روی قصد نیست؛ لذا هر مقدار انسان از ساز و کار ذهن هوشیار و نیمه هوشیار، فرآیندهای تفکر، تداعی معانی، تکنیک‌های خلاقیت، ابزارهای کنترل توجه و قالب‌های ذهنی بیشتر مطلع شود و بهتر بتواند حس، فکر، عقل، خیال و توجه خود را کنترل کند و آگاهانه از آن‌ها استفاده نماید، بیشتر می‌تواند فرآیند خلاقیت را برنامه‌ریزی شده و کنترل شده هدایت کند؛ لذا از ناگهانی بودن خلاقیت کاسته می‌شود (صمد آقایی، ۱۳۸۳: ۲۳).

خلاقیت جوهره کارآفرینی است، تاروپود فرهنگ کارآفرینی از جنس خلاقیت، نوآوری و سخت‌کوشی

را ذکر می‌کند که همه بیانگر این واقعیت است که خلاقیت قابل آموزش است.

گیلفورد در کنگره روانشناسان آمریکا اظهار داشت که: "خلاقیت را نباید همانند موهبتی استثنایی که فقط در بعضی افراد وجود دارد در نظر گرفت، بلکه باید توجه داشت که خلاقیت کمابیش در همه افراد و در سنین مختلف به نوعی موجود است (اسبورن، ۱۳۷۱: ۲۳).

بزرگسالان غالباً مشغولند و فرصت پاسخگویی به کودکان را ندارند؛ و سپس کودکان به مدرسه می‌روند و آموزگار می‌گوید، "اول باید الف، ب، پ، ... را یاد بگیری" ولی کودک می‌خواهد، جهان و کائنات را درک کند و پرسش‌های بزرگ دارد و آموزگار می‌گوید، "این چیزها را اول کن ... اول اجزای را می‌آموزی. .. الف، ب، پ، ... سپس کودک به دانشگاه می‌رود و هرگز به کل قضایا باز نمی‌گردد (تورنس، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

نقش مربیان مدارس که در حال حاضر به شکل سؤال کنندگان دروس، توضیح دهندگان مکرر کتب درسی و تصحیح کنندگان اشتباه‌ها است باید به سوی مدیریت تجارب یادگیری، تدوین کنندگان مهارت‌هایی مانند تفکر خلاق و حل مسائل، کار گروهی و تأکید بر تفکر میان رشته‌ای تغییر جهت دهد. نقش‌های مشابهی نیز باید توسط والدین، مدیران و

سرپرستان بازرگانی، صنعت و مؤسسات مشابه ایفا گردد (تورنس، ۱۳۹۲: ۲۳).

تورنس می‌گوید: "می‌توان دسته‌ای از اصول را به کودکان یاد داد تا به آن‌ها اجازه دهد عقاید بهتری را از خود ابراز دارند" (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۷).

این اندیشه که هنر صرفاً یک وسیله تزئینی و یا تفریحی است، در «آموزش هنر» دهه گذشت تغییر یافته است و آموزش بر مینا و در راستای رشته‌های مختلف هنر با چهار مؤلفه اساسی؛ یعنی تولید کارگاهی، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی حرکت کرده است. چنین رویکرد همه جانبه‌ای نسبت به رشته هنر با مجموعه‌ای از سبک‌های و ایجاد توانمندی‌ها، دانش آموزان را ترغیب می‌کند تا جلب یادگیری هنر گشته و در آن شرکت جویند (گودالیس، ۱۳۹۰: ۴۲۶).

"ادوارد دیونو"، در برنامه خود که برای استفاده در مدارس است. اظهار داشته است که عواطف در تفکر از هر چیز دیگری مهمتر است و در ادامه می‌گوید که عواطف معمولاً اول می‌آید و بعداً تفکر برای پشتیبانی و حمایت از عواطف بکار می‌رود. وی، مضافاً شرح می‌دهد که حتی وقتی تفکر اول می‌آید، عواطف به آن نیرو می‌بخشد. او همچنین عواطف را هم بازدارنده و هم تسهیل کننده می‌داند و معتقد است که کسی که مبادرت به حل خلاق مسائل می‌کند باید آگاه باشد که چه عواطفی در هر لحظه در تفکر او اثر می‌گذارد (تورنس، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری یافته‌های پژوهش در نمونه مورد مطالعه شاخص‌های توصیفی

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره
سیالی	دختران	۴۷/۳۳	۴/۹۵	۱۷	۴۴
	پسران	۷۷/۳۴	۳/۷۲	۲۷	۴۱
	کل	۳۴/۰۶	۴/۴۶	۱۷	۴۴
انعطاف	دختران	۴۵/۳۵	۴/۶۵	۲۴	۴۵
	پسران	۱۹/۳۵	۳/۷۲	۲۷	۴۱
	کل	۳۳/۳۵	۴/۰۹	۲۴	۴۵
ابتکار	دختران	۳۴	۴/۶۳	۲۰	۴۲
	پسران	۳۲/۳۲	۳/۳۵	۲۹	۳۹
	کل	۲۵/۳۳	۴/۰۹	۲۰	۴۲
بسط	دختران	۹۷/۳۵	۴/۴۹	۲۷	۴۴
	پسران	۵۵/۳۶	۲/۶۹	۳۳	۴۲
	کل	۲۳/۳۶	۳/۷۷	۲۷	۴۴

تعداد نمونه برای کل دختران و پسران ۶۹ نفر است در نتیجه درجه آزادی (df) برابر با ۶۸ است. تعداد نمونه برای گروه دختران ۳۸ نفر و برای گروه پسران ۳۱ نفر است در نتیجه درجه آزادی برای گروه دختران ۳۷ و برای پسران برابر با ۳۰ است.

مبنای سنجش فرضیات برابر با ۲ در نظر گرفته شده است زیرا آزمون سه گزینه‌ای بود و ۲ به عنوان حد وسط در نظر گرفته شد.

با توجه به این اطلاعات برای آزمون باید آماره آزمون محاسبه شود. چنانچه آماره آزمون بزرگ‌تر از نقطه بحرانی باشد، فرضیه H_0 به احتمال ۹۵ درصد رد می‌شود و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود.

طبق جدول شماره ۱ میانگین دختران در انعطاف‌پذیری و ابتکار بالاتر از میانگین پسران است، اما میانگین پسران در سیالی و بسط از میانگین دختران بالاتر است.

یافته‌های استنباطی

در این پژوهش برای آزمون تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در رشد خلاقیت از آزمون میانگین یک جامعه یا آزمون t-student استفاده شده است. با توجه به مفاهیم آمار، اطلاعات لازم برای آزمون به شرح زیر است:

آزمون معناداری برای سیالی

جدول ۲ - نتایج آزمون تی تک متغیره برای بررسی سیالی

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
دختران	۲/۲۳	۰/۳۳	۰/۰۵	۰/۲۳	۴/۳۲	۳۷	۰/۰۰۱
پسران	۲/۳۲	۰/۲۵	۰/۰۴	۰/۳۲	۷/۱۴	۳۰	۰/۰۰۱
کل	۲/۲۷	۰/۲۹	۰/۰۴	۰/۲۷	۷/۵۶	۶۸	۰/۰۰۱

هنرهای تجسمی بر سیالی پسران تأثیر گذار است. بنابراین این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر سیالی پسران تأثیر گذار است.

نتایج جدول ۲ برای کل نمونه نیز نشان می‌دهد که تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی بر سیالی کودکان پیش دبستانی (۵۶/۷) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر سیالی کودکان پیش دبستانی تأثیر گذار است.

با توجه به جدول ۲ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد سیالی در دختران (۳۲/۴) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش هنرهای تجسمی بر سیالی دختران تأثیر گذار است. بنابراین این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر سیالی دختران تأثیر گذار است.

با توجه به جدول ۲ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد سیالی در پسران (۱۴/۷) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش

آزمون معناداری برای انعطاف پذیری

جدول ۳ - نتایج آزمون تی برای بررسی انعطاف پذیری

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
دختران	۲/۳۶	۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۳۶	۷/۲۱	۳۷	۰/۰۰۱
پسران	۲/۳۵	۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۳۵	۸/۶۳	۳۰	۰/۰۰۱
کل	۲/۳۵	۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۳۵	۱۰/۸۲	۶۸	۰/۰۰۱

دختران تأثیر گذار است. بنابراین این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر انعطاف پذیری دختران تأثیر گذار است.

با توجه به جدول ۳ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد انعطاف پذیری در دختران (۲۱/۷) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش هنرهای تجسمی بر انعطاف پذیری

نتایج جدول ۳ برای کل نمونه نیز نشان می‌دهد که تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی بر انعطاف پذیری کودکان پیش دبستانی (۸۲/۱۰) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است. بنابر این در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر انعطاف‌پذیری کودکان پیش دبستانی تأثیر گذار است.

با توجه به جدول ۳ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد انعطاف پذیری در پسران (۶۳/۸) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش هنرهای تجسمی بر انعطاف‌پذیری پسران تأثیر گذار است. بنابر این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر انعطاف پذیری پسران تأثیر گذار است.

آزمون معناداری برای ابتکار

جدول ۴- نتایج آزمون تی برای بررسی ابتکار

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
دختران	۲/۲۷	۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۲۷	۵/۳۳	۳۷	۰/۰۰۱
پسران	۲/۱۵	۰/۲۱	۰/۰۴	۰/۱۵	۴/۰۹	۳۰	۰/۰۰۱
کل	۲/۲۲	۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۲۲	۶/۵۹	۶۸	۰/۰۰۱

هنرهای تجسمی بر ابتکار پسران تأثیر گذار است. بنابر این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر ابتکار پسران تأثیر گذار است.

نتایج جدول ۴ برای کل نمونه نیز نشان می‌دهد که تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی بر ابتکار کودکان پیش دبستانی (۵۹/۶) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است. بنابر این در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر ابتکار کودکان پیش دبستانی تأثیر گذار است.

با توجه به جدول ۴ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد ابتکار در دختران (۳۳/۵) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش هنرهای تجسمی بر ابتکار دختران تأثیر گذار است. بنابر این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر ابتکار دختران تأثیر گذار است.

با توجه به جدول ۴ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد ابتکار در پسران (۰۹/۴) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش

آزمون معناداری برای بسط با جزئیات

جدول ۵- نتایج آزمون تی برای بررسی بسط

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
دختران	۲/۴۰	۰/۲۹	۰/۰۵	۰/۴۰	۸/۲۱	۳۷	۰/۰۰۱
پسران	۲/۴۴	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۴۴	۱۳/۵۳	۳۰	۰/۰۰۱
کل	۲/۴۱	۰/۲۵	۰/۰۳	۰/۴۱	۱۳/۷۲	۶۸	۰/۰۰۱

نتیجه گیری

طی بررسی‌های به عمل آمده در هر یک از ابعاد خلاقیت، نتیجه بدین قرار شد:

هم انجام فعالیت‌های هنرهای تجسمی و کاربردی و هم آموزش هنرهای تجسمی و کاربردی کودکان پیش دبستانی بر همه ابعاد خلاقیت کودکان مقطع پیش دبستانی تأثیر مثبت دارد.

با توجه به جدول ۵ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد بسط با جزئیات در دختران (۲۱/۸) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش هنرهای تجسمی بر بسط با جزئیات دختران تأثیر گذار است. بنابر این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر بسط با جزئیات دختران تأثیر گذار است.

منابع

- ۱- آمابلی، ترزا. (۱۳۸۸). شکوفایی خلاقیت، (ترجمه حسن قاسم زاده و پروین عظیمی)، تهران: نشر دنیای نو.
- ۲- آمابلی، ترزا. (۱۳۷۸)، کارآفرینی خلاق انواع شیوه‌های حمایت از آن، ترجمه: حسن قاسم زاده، تهران: پژوهشی مهندسی.
- ۳- اتکینسون، رتیال؛ ریچاردس هیلگارد، ارنست. (۱۳۶۹)، زمینه روانشناسی، جلد اول (ترجمه: محمد تقی براهنی، سعید شاملو، نسیان گاهان، یوسف کریمی، کیانوش هاشمیان)، تهران: انتشارات رشد.
- ۴- اسبورن، الکس. اس. (۱۳۷۱). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، (ترجمه حسن قاسم زاده)، تهران: انتشارات نیلوفر.

با توجه به جدول ۵ آماره تی تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی در بعد بسط با جزئیات در پسران (۵۳/۱۳) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش هنرهای تجسمی بر بسط با جزئیات پسران تأثیر گذار است. بنابر این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان در سطح اطمینان ۹۹٪ گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر بسط با جزئیات پسران تأثیر گذار است.

نتایج جدول ۵ برای کل نمونه نیز نشان می‌دهد که تأثیر آموزش هنرهای تجسمی - کاربردی بر بسط با جزئیات کودکان پیش دبستانی (۷۲/۱۳) در سطح ۰۰۱/۰ معنی دار است. بنابر این در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که آموزش هنرهای تجسمی بر بسط با جزئیات کودکان پیش دبستانی تأثیر گذار است.

- ۵- پیاز، ژان. (۱۳۷۳)، روانشناسی کودک، ترجمه: زینت توفیق، تهران: نشر نی.
- ۶- تورنس، پال. (۱۳۹۲)، استعدادها مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن‌ها، ترجمه حسن قاسم زاده، تهران: انتشارات دنیای نشر نو
- ۷- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۳)، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، به نشر.
- ۸- حسینی، افضل السادات. (۱۳۷۶). خلاقیت، شماره دوم، سال سیزدهم، ماهنامه تربیت، تهران.
- ۹- حسینی، افضل السادات. (۱۳۷۶)، تحلیل ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، رساله دوره دکتری تعلیم و تربیت.
- ۱۰- روزت، ای. (۱۳۷۱). روانشناسی تخیل، مترجم: پروانه میلانی واصغر الهی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- ۱۱- سعیدی کیا، مهدی. (۱۳۸۴). اصول و مبانی کارآفرینی، تهران: انتشارات کیا.
- ۱۲- صمدآقائی، جلیل (۱۳۸۳)، خلاقیت جوهره کارآفرینی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، مرکز کارآفرینی
- ۱۳- جوکار، عباس؛ مقیمی، فضل‌الله؛ غلامی کوتنایی، کوروش. (۱۳۸۴).
- فرهنگ اصطلاحات کارآفرینی، مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور.
- ۱۴- گودالیوس، ایوان؛ اسپیرز، پگ. (۱۳۹۰). رویکردهای معاصر در آموزش هنر، راهنمای آموزشی ابتدایی، ترجمه: فرشته صاحب قلم، تهران: چاپ و نشر نظر.
- ۱۵- مشبکی، اصغر. (۱۳۸۰). رویکرد راهبردی و عملیاتی به مدیریت تحول سازمانی، تهران: انتشارات هیأت.
- ۱۶- نالچاجیان، آلبرت. (۱۳۸۶)، اشراق و شهود در فرآیند خلاقیت علمی، ترجمه نیکید میرزایانس، اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- ۱۷- نلر، جورج اف. (۱۳۶۹). هنر و علم آفرینشگری، ترجمه: سید علی اصغر مسدود، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- 18- Brockhaus, K.H. (1980). The Psychology of entrepreneur. Inc. A.Kent, D.sexton," K.Vesper, Encyclopedia of Entrepreneurship Entrepreneurship, Prentice Hall, .39-57
- 19- Bronowski, J. (1956), science and Human Vaues, New York: Harper & Row,
- 20- Burns, Paul. (2001), Entrepreneurship and Small Business, England: Palgrave.
- 21- Sarasosy, H.D (2004). "Entrepreneurial Development", New Dilhi: Contemporary Management, New York: McGraw-Hill.
- 22- Steren, M. Feldman. (1995), How Organizational Culture can affect innoation

